

ایران زبان مردم، چشم

میزگرد فریدون وردی‌نژاد، محمدجواد حق‌شناس و داوود نعمتی انارکی دولت

الزامات و ضرورت‌های حرفه‌ای رسانه منسوب به دولت در میزگردی
با حضور فریدون وردی‌نژاد، محمدجواد حق‌شناس و داوود نعمتی انارکی

ایران زبان مردم، چشم

محمد رضا عزیزی - حمید رضا بازگشا

از دوره سازندگی تا اعتدال؛ 23 سال پیش بود که روزنامه ایران با حضور و افتتاح مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی قدم به دنیای مطبوعات ایران گذاشت و آمدنش در آن روزها خود اتفاق و رویدادی مهم بود. زبانی تازه و رویکردی نو و سوژه‌هایی متفاوت و با نگاهی تازه هر روز صبح میهمان چشم‌های مخاطبان می‌شدند؛ از آن روز تا امروز «ایران» نیز چون ایران در فراز و نشیب گذشت زمان و گذر رویدادها؛ تجربه‌هایی متفاوت را گذرانده و سرد و گرم چشیده اما همچنان «ایران» مانده است. جایگاه و وابستگی سازمانی این رسانه به دولت، خود به خود مولد بسیاری انتظارات، سوءتفاهم‌ها و تفسیری شده که شاید با نگاه و نیت صدها روزنامه نگاری که در طول این سال‌ها در این روزنامه کار کرده و تجربه اندوخته‌اند متفاوت باشد. در میزگردی که از نظر تان می‌گذرد در جست‌وجوی خوانش و تفسیری صریح و شفاف از اهداف و ارزیابی عملکرد روزنامه ایران به‌عنوان روزنامه‌ای که از یک سو وابستگی سازمانی به دولت دارد و از سوی دیگر همراهی با مخاطب و «حلقه واسط مردم و مسئولان» بودن را هدف قرار داد، هستیم. میهمانان این میزگرد دکتر فریدون وردی‌نژاد نخستین مدیرعامل مؤسسه ایران و بنیانگذار روزنامه ایران، دکتر محمد جواد حق‌شناس روزنامه نگار و فعال رسانه‌ای پر سابقه و عضو شورای شهر تهران و دکتر داوود نعمتی انارکی مدیر پیشین روابط عمومی سازمان صدا و سیما و عضو هیأت علمی دانشکده صدا و سیما هستند. در این میزگرد محمد فاضلی مدیرمسئول روزنامه ایران با همراهی گروه رسانه این روزنامه دغدغه‌های خاص روزنامه نگاران و مدیران این روزنامه را با میهمانان به بحث گذاشتند:

روزنامه ایران تبدیل شدن به پل ارتباطی بین مردم و مسئولان را به‌عنوان هدف آرمانی خود قرار داده است. با این حال با توجه به وابستگی سازمانی این روزنامه به خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سوء برداشتها و تفسیری نادرست از کارکردهای روزنامه‌ای که در جایگاه سازمانی و اداری به دولت وابسته است، ایجاد می‌شود. برخی این تلقی را دارند که حتماً صفحه اول و تیتر یک روزنامه با نظر و تأیید شخص ریاست جمهوری یا معاونان ایشان منتشر می‌شود و برخی انتظار تنزل آن در حد یک بولتن دولتی را دارند بر این اساس این انتظار را هم دارند که از خطاهای عمدی و سهوی مدیران دولتی در این روزنامه چشم پوشی شود و حتی این خطاها تأیید شود. از سوی دیگر انگاره «روزنامه دولت» بودن نوعی سوگیری پیش‌داورانه را در گروه‌ها و چهره‌های سیاسی و فرهنگی منتقد دولت ایجاد کرده به‌طوری که باورشان این است حرف و صدای آنها جایی در این رسانه ندارد. پرسش این است که آیا اصولاً هویت دهی به «ایران» به‌عنوان روزنامه دولت درست است یا خیر و در صورت تأیید چه وظایف و کارکردهایی از این روزنامه انتظار می‌رود؟ به عبارتی چگونه هم می‌توان روزنامه دولت بود و هم از خطاها یا رویکردها و فعالیت‌های قابل انتقاد دولت هم چشم پوشی نکرد؟

فریدون وردی‌نژاد: در ابتدا به شما و همه کارکنان روزنامه ایران برای تلاش و کوشش حرفه‌ای‌تان در عرصه رسانه خدا قوت می‌گویم. اگر اجازه دهید بنده بحث را از زاویه بالاتر و بلندتری شروع کنم و آن این است که به هر حال، هر واحد اجتماعی؛ معمولاً دربرگیرنده سه ضلع مردم، حاکمیت و حلقه وصل بین حکومت‌کنندگان و حکومت شونده‌گان است که این حلقه را طبقه برجسته نخبگان، روشنفکران و پیشروان جامعه تشکیل می‌دهند. از هر زاویه‌ای که یک واحد اجتماعی را بنگریم، معمولاً این سه ضلع وجود دارد؛ مثلاً اگر در عرصه اقتصادی نگاه کنیم؛ می‌شود دولت و اقتصاد اجتماعی، مردم، اقتصاد بنگاهی، حرکت اجتماعی و مصرف و آن بخش نخبگانش نیز بنگاه‌های اقتصادی هستند که فعالیت و تلاش اقتصادی می‌کنند.

اگر از بعد سیاسی به این جامعه و واحد اجتماعی بنگریم، می‌شود حاکمیت، مردم و احزاب سیاسی، یعنی آن بخش نخبگانش همان احزاب است. اگر از بعد اطلاع‌رسانی و تفهیمی نیز بنگریم، می‌شود حاکمیت، حکومت‌کنندگان، حکومت‌شونده‌گان و رسانه‌ها.

مهم این نیست که صاحب و سرمایه‌گذار چه کسی یا چه نهادی است؛ بلکه مهم این است که رسانه چگونه اداره می‌شود و اهدافی که پشت آن وجود دارد، چیست؟ این سؤال تعیین‌کننده است.

به عنوان مثال اگر رسانه‌ای در اختیار یکی از این اضلاع باشد و ضلع‌های دیگر واحد اجتماعی ذکر شده بدان دسترسی نداشته باشند؛ به مفهومی اگر دچار انحصار باشد؛ این رسانه کارکرد اجتماعی نخواهد داشت. مثلاً رسانه از نظر سازمانی و منابع مالی وابسته به دولت باشد و در عین حال در انحصار دولت باشد و مردم امکان اثرگذاری روی آن نداشته باشند یا نخبگان ترجیح دهند با این رسانه فاصله داشته باشند؛ اینجا این رسانه در جامعه کارکرد نادرست دارد یعنی توان انجام تعهدات و کارکردش را در آن واحد اجتماعی ندارد.

اما اگر رسانه‌ای باشد که سرمایه‌گذار یا صاحب امتیازش، هر کدام از سه ضلع باشد یعنی با مردم تعاونی تأسیس کرده باشند یا نخبگان دور هم جمع شده و بنگاهی ساخته باشند یا دولت رسانه‌ای ایجاد کند؛ مهم این است که هر کدام از این سه اضلاع، بدان دسترسی داشته و دوم اینکه آنها امکان گفت‌وگو و اثرگذاری را داشته باشند و این رسانه منافع آنها را به رسمیت بشناسد. در واقع اهمیت ندارد که سرمایه‌گذار آن رسانه کیست؛ بلکه مهم به رسمیت شناخته شدن منافع سایر اضلاع جامعه از سوی آن رسانه است. من مثال می‌زنم آیا روزنامه شهروند که مربوط به سازمان هلال احمر است، دولتی یا خصوصی است؟ آیا روزنامه همشهری که به شهرداری مربوط است و آن هم به بخش حاکمیتی وصل است؛ خصوصی است؟ آیا روزنامه‌های کیهان و اطلاعات مربوط به اموال عمومی نیست؟

وردی‌نژاد: من با این نظریه موافق نیستم که مردم وقتی روزنامه ایران را نگاه می‌کنند، احساس می‌کنند که روزنامه دولتی را می‌خوانند به مفهوم رسانه حاکمیتی! نه اینگونه نیست اگر اینگونه بود مردم نمی‌خریدند و ضریب نفوذش در جامعه محدود بود و اگر اینگونه بود قادر به گفتمان‌سازی در سطح جامعه نبود. اما می‌بینیم که روزنامه ایران در طول دوران حیاتش از زمان زنده یاد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تعیین‌کننده و گفتمان ساز در سطح جامعه بوده است؛ یعنی بخشی از گفتمان سازندگی در جامعه مرهون روزنامه ایران است. همچنین بخشی از گفتمان توسعه سیاسی در دوره اصلاحات مرهون روزنامه ایران با شمارگان بالا و تأثیرگذاری روی نخبگان جامعه بود؛ در دوران احمدی‌نژاد نیز بخشی از تأثیرگذاری گفتمان عدالت برعهده روزنامه ایران بوده است. بحث بنده ارزشگذاری روی دولت‌ها نیست بلکه اثرگذاری روزنامه ایران در جامعه است. در دوران حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی روزنامه ایران در گفتمان‌سازی اعتدال سیاسی و اجتماعی نقش مؤثری داشته است. پس روزنامه ایران در جامعه تعیین کنندگی دارد و هنگامی که چنین است و اثرگذاری داشته و گفتمان‌سازی می‌کند؛ این روزنامه یک مجموعه اطلاع رسانی است. تفاوت یک رسانه اطلاع رسانی با روزنامه ای که بوق تبلیغاتی دولت است در اثرگذاری و تعیین کنندگی اجتماعی آن است؛ بنابراین فردی که به عنوان یک روشنفکر روزنامه ایران می‌خرد؛ با این انگیزه روزنامه را نمی‌گیرد که بداند دولت چه می‌گوید بلکه با این هدف خریداری می‌کند که این روزنامه به دلیلی نسبتش با حاکمیت، قابل اعتمادتر نسبت به یک جریان یا رسانه دیگری است که انحصاری بوده یا روزنامه یک جمع محدودی است.

رسانه می‌تواند همگانی یا گروهی باشد؛ یکی از کارکردهای روزنامه ایران این است که یک رسانه همگانی محسوب می‌شود؛ یعنی سخنگوی یک جمع خاص نیست و ملی‌تر نگاه می‌کند به دلیل موقعیت و شرایطش و نسبتی که با دولت دارد. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که شاخص‌های این تأثیرگذاری که به آن اشاره داشتید چیست؟ با چه معیارهایی می‌توانیم مدعی شویم که «ایران» یک رسانه تأثیرگذار است؟

وردی‌نژاد: روزنامه تأثیرگذار، رسانه‌ای است که در ضلع حاکمیت بتواند گوش شنوا و چشم بینای حاکمیت باشد؛ یعنی حاکمیت از طریق این روزنامه بتواند نیازمندی‌ها، مطالبات و خواسته‌های مردم را دریافت کند و رسانه در جامعه به منزله چشمی باشد که لایه‌های دوم و سوم را هم ببیند. همچنین نسبت رسانه با ملت، نسبت زبان گویا و وجدان بیدار است؛ وقتی در جامعه‌ای رسانه‌ای چنین مؤلفه‌ای داشته باشد؛ بخش نخبگی قادر خواهد بود تا نسبت بین زبان، گوش و چشم و وجدان را برقرار کند؛ بنابراین این روزنامه نخبه می‌شود و آنگاه روشنفکر در آن حضور داشته و تأثیر می‌گذارد و از انحصار به دور خواهد بود. هر رسانه‌ای که می‌خواهید ارزیابی کنید باید ببینید آیا در بازار فرهنگی، اجتماعی و غیره رقابت پذیر هست، یا دارای انحصار است؟ اگر دارای انحصار بود باید کنار گذاشته شود چون قدرت رقابت برای دیگران با او وجود ندارد و آن پذیرفتنی نیست اما اگر رسانه‌ای باشد که سرمایه‌گذارش - هر فردی که می‌خواهد باشد - در عرصه رقابت بوده و همگان بدان دسترسی داشته باشند؛ این رسانه موفق است. امروزه روزنامه ایران را کسی به خاطر اینکه دولتی است، خریداری نمی‌کند؛ اصلاً این روزنامه به یک مفهوم دولتی نیست چرا که مؤسسه ایران بخش خصوصی است و شما در هیأت دولت حضور ندارید و نسبت رسمی نیز با سخنگوی دولت ندارید؛ نه هر روزه از بالا به شما دستوری داده می‌شود و نه انحصاری هستید؛ بنابراین این یک روزنامه ملی هستید که دارای نسبتی قوی‌تر از دیگران با دولت هستید و این یک مزیت به شمار می‌رود نه یک نکته منفی».

محمد فاضلی: واقعیتی که من مستقیم با آن درگیر هستم، جلساتی است که با برخی از مسئولان می‌گذاریم؛ مثلاً وزیر فرهنگ و ارشاد

وقت می‌گفت که تمایل ندارد روزنامه بوق تبلیغاتی باشد اما برخی مسئولان رده پایین بر این باورند که این تنها روزنامه دولت است و می‌خواهیم تحت هر شرایط خبر و تصویرمان در روزنامه وگاهی در صفحه اول و نیم‌تای بالای صفحه نخست باشد.

مدیر رده میانی هم وقتی این اتفاق نمی‌افتد، پیش‌وزیر می‌رود و می‌گوید روزنامه ایران ما را نمی‌بیند وگاهی هم مدعی می‌شود روزنامه دستاوردهای دولت را تخریب کرده است و از طرفی هم برخی نخبگان بویژه بخش روشنفکر جامعه می‌گویند هر چیزی که روزنامه نمی‌نویسد آن را به نوعی نگاه دولت می‌پنداریم.»

وردی نژاد: «این نقطه قوت شماست؛ این همان نسبتی است که گفتیم؛ یعنی اعتماد پذیری. به تعبیری می‌خواهم تأکید کنم که اینجا بحث سبق خبری و صدق مخبری مطرح می‌شود؛ یعنی روزنامه ایران از جهت صدق مخبری یعنی ارزشمندی منبع و منشأ آن، از دید اجتماعی دارای سطح بالاتری است به خاطر نسبتش با دولت؛ و این صدق مخبری به آن سبق خبری بیشتری هم می‌دهد یعنی خبرهایش قابل اعتمادتر است. این را شما نکته منفی ندانید بلکه امر مثبت ببینید اما آن بخشی که شما گفتید؛ معتقدم که مسأله رسانه‌ای که مرتبط با دولت است با بولتن دولتی و رسانه‌ای که اطلاع‌رسان است؛ با روابط عمومی تفاوت دارد.

روزنامه ایران از روز اول هم که تأسیس شد همواره این نگاه توسط برخی از افراد دولتی وجود داشت اما زنده یاد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که در اصل بنیانگذاری این قضیه را بر عهده داشتند؛ نگاهش با نگاه ما همسو بود و معتقد بود که روزنامه تریبون و بوق دولت و حاکمیت نیست بلکه اطلاع‌رسان است تا مردم، سره را از ناسره تشخیص بدهند و ضمناً بتواند آوند و پل ارتباطی بین حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان باشد؛ یعنی بین دولت و مردم و نخبگان هم در این روزنامه برای خودشان حق قائل باشند. آقای دکتر نعمتی نظر شما در این باره چیست؟ هویت دهی و تشخیص روزنامه ایران به‌عنوان روزنامه دولت تا چه حد درست است و معنای آن چیست؟

داوود نعمتی انارکی: کسی منکر اهمیت رسانه‌ها و تأثیرگذاریشان روی افکار عمومی نیست؛ همه رسانه‌ها اعم از مکتوب، دیداری و شنیداری و رسانه‌های مدرنی که پدید آمده‌اند به نوعی روی افکار عمومی تأثیرگذار هستند. در خلأ هم حرکت نمی‌کنند بلکه در فضایی گام برمی‌دارند که می‌توانیم اثرگذاریشان را روی افکار عمومی در سطح جامعه ببینیم. اما در مورد روزنامه ایران که شاید به دغدغه دوستان بازگردد؛ باید بگویم دیدگاه‌هایی در جامعه وجود دارد که از این روزنامه به‌عنوان رسانه دولت یاد می‌کنند. چون روزنامه ایران جزو رسانه‌هایی است که بواسطه مسئولیت هر روز مطالعه می‌کردم؛ سه دلیل را ذکر می‌کنم که فکر می‌کنم شکل دهنده این نگاه باشد. نخست اینکه به هر حال روزنامه ایران به لحاظ ساختاری وابستگی به خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایران) که مدیرعاملش را دولت منصوب می‌کند دارد و این نوع وابستگی به روزنامه‌های دیگر که شاید وابستگی گروهی یا حزبی داشته باشند؛ وجود ندارد و در این رسانه پرننگتر است. اما چرا این حس در سطح جامعه ممکن است شکل گرفته باشد؛ یکی از دلایلی که حجم وسیع خبرهای دولت نسبت به سایر اخبار در این روزنامه می‌بینیم.

روزنامه ایران هر آنچه مربوط به فعالیت‌ها و عملکرد دولت‌ها باشد؛ وظیفه خودش دانسته یا در شرح وظایفش و مأموریتش تعریف کرده که به صورتی انعکاس دهنده آنچه دارد انجام می‌شود؛ باشد. این مأموریت فی‌البداهه منفی نیست؛ بلکه مثبت است به هر حال یکی از قوای اصلی جامعه مجریه است که فعالیت‌های مختلفی را در سطح جامعه انجام می‌دهد و عملکرد مختلفی دارد و به هر حال رسانه‌ها باید در انعکاس این فعالیت‌ها حضور داشته باشند.

اگر مثالی را در نظر بگیرید که به اصطلاح در رأس دولت باشد و قسمت پایینش مردم حضور داشته باشند؛ حلقه وصل بین آنها ابزاری باید باشد که بتواند اطلاعات را از دولت بگیرد و با رصد فعالیت‌ها به مردم منعکس کند و برعکس هم باید وجود داشته باشد.

یعنی رسانه چه وابسته به دولت و چه غیردولتی باشد؛ شکل دومش این است که باید جامعه را رصد کند و دولت را از مسائل سطح جامعه باخبر سازد. همچنین تحلیل‌هایی که در روزنامه ایران نسبت به عملکرد دولت وجود دارد عمدتاً تأییدی بوده و به نوعی به پارادایم انتقادی که باید مورد توجه رسانه‌ها باشد؛ کمتر توجه می‌شود و این امر نیز شائبه دولتی بودن روزنامه را بیشتر می‌کند. نگاه دیگری هم وجود دارد - هر چند به نظرم ناصحیح است - که روزنامه ایران روابط عمومی دولت است و به نوعی توجیه‌گر است یعنی هر آنچه دریافت می‌کنند برایش یک پاسخی مهیا می‌کنند.

این رویکرد گاهی در جامعه مطرح می‌شود و بر همین اساس روزنامه باید سعی کند که اگر واقعاً اعتقادی به این ادعاها ندارد و معتقد است که روابط عمومی دولت نیست؛ با عملکردش به اثبات برساند. باید این رسانه سعی کند با تحلیل مناسب و رصد مطلوب محیط و انعکاس آن ثابت کند که به صورت حرفه‌ای مشغول به انجام وظایف خود است. این رویکرد واقع بینانه اکنون در بخشی از تحلیل‌های روزنامه ایران وجود دارد، اما به نظر می‌آید افزایش و ادامه آن شاید به نگاه ذکر شده غلبه کند. البته اینکه بگویم ایران روزنامه نخبگان است، قبول ندارم بلکه آن را رسانه‌ای اجتماعی می‌بینم که نخبگان و افراد عادی جامعه و گروه‌های مختلف که مرجع هم نیستند؛ از این رسانه بهره می‌گیرند.

وردی نژاد: ذکر این نکته لازم است که بنده نگفتم ایران روزنامه نخبگان است؛ همه روزنامه‌ها، رسانه نخبگان هستند چون مردم

عادی و کوچه و بازار که قادر به تولید روزنامه نیستند. طبیعتاً کسانی که می‌نویسند و کار می‌کنند؛ افرادی هستند که یک برجستگی دارند و همه روزنامه‌ها، رسانه‌های نخبگی است؛ آنچه عرض کردم این بود که روزنامه‌ها کارش مثل نخبگی است یعنی حلقه واسطه بین حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان است؛ مثل بنگاه‌ها در امر اقتصاد یا احزاب در بخش‌های سیاسی ولی روزنامه کارکرد رسانه دارد و بنگاهی و حزبی نیست.

آقای حق شناس! تعریف عموم از روزنامه ایران به‌عنوان روزنامه دولت است این توصیف و تلقی از نظر شما چه معنایی دارد؟
محمّدجعفر حق‌شناس: معتقدم باید به عنصر زمان قطعاً توجه کرد زیرا روزی که روزنامه ایران متولد شد به نظرم یک نیازی پشت این تولد بود؛ آن زمان دولت فقط یک حوزه اختصاصی به‌عنوان خبرگزاری ایرنا را داشت؛ فکر می‌کرد که با همین یک خبرگزاری کارش راه می‌افتد اما دیگر جنگ تمام شده بود و دوران سازندگی با پرچمداری زنده یاد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی آغاز شده بود و وارد یک تغییر پارادایمی شده بودیم که انقلاب و جنگ و جهاد وارد عرصه جدیدی به‌عنوان سازندگی می‌شد؛ با حجم عظیمی از تلفات انسانی و اقتصادی به گونه‌ای که فقط یک قلمش این بود که می‌گفتند یک هزار میلیارد دلار خسارت در جنگ به ایران وارد شده بود. در سیاست خارجی باید وارد گفت‌وگو با دنیا می‌شدیم و در منطقه نیز باید مشکلاتمان را با همسایگانمان حل می‌کردیم؛ جنگ را پایان یافته تلقی کرده و وارد عرصه جدیدی در روابط با همسایگانمان بشویم.

دولتمردان در چنین شرایطی احساس کردند نیاز به رسانه‌ای دارند که علاوه بر صحبت با مردم، پیام‌های رسمی خود را به دنیا از طریق این روزنامه انتقال دهند و بتوانند در این تغییر پارادایم از کمک و همراهی نخبگان استفاده کنند؛ این فلسفه تولد روزنامه ایران بود. به نظرم هدفگذاری کاملاً صحیح بود و در شکل‌گیری و روش و استفاده از این بستر هم خیلی حرفه‌ای عمل شد و انصافاً کار بی‌عیب و نقصی شکل گرفت.

روند روزنامه ایران در دولت اصلاحات نیز همچون سابق بود و رویکرد دولت سازندگی را ادامه می‌داد با یک تفاوت که به نظرم ما وارد تغییر پارادایم دوم شده بودیم زیرا در دولت اصلاحات فضا متفاوت شد و محور دولت اصلاحات، توسعه سیاسی بود که یکی از ستون‌هایش آزادی بیان بود که مهم‌ترین شاخصه، نمود و بروزش، مطبوعات و احزاب بودند.

تا قبل از آن رسانه‌های کشور یک موقعیت و کارکرد ویژه‌ای داشتند که روزنامه‌های حکومتی کیهان و اطلاعات با نماینده‌هایی که امام(ره) تعیین کرده بودند؛ آن را انجام می‌دادند. با آمدن و تولد روزنامه‌های ایران و همشهری عملاً مربعی شکل گرفت که ستون‌های اصلی روزنامه‌نگاری کشور را در اختیار داشتند.

اما نگاه رئیس‌جمهوری وقت و افرادی که در پی توسعه سیاسی بودند این بود که این چهار ستون تبدیل به 400 ستون شود؛ در این مقطع اهمیت روزنامه دولت به خاطر موقعیت و جایگاه خاصی که داشت و استفاده از قدرت سیاسی که پشت سرش بود، خودبه‌خود کم می‌شد و اینجا روزنامه در پی این بود که چه کار باید بکند.

به نظرم در این مقطع اصلاً شاهد افول روزنامه ایران نیستیم، گرچه شاهد تولد روزنامه‌های متنوعی می‌شویم که مربوط به عصر اصلاحات همچون جامعه، نشاط، توس، صبح امروز و غیره می‌شوند و این روزنامه‌ها حتی شمارگان را به نزدیک یک میلیون می‌برند اما به نظر می‌رسد روزنامه ایران تلاش می‌کند در این فضای جدید در واقع متزلزل نشان ندهد و به نظرم شاهد حضور یک «ایران» جدید در آن مقطع هستیم که همچنان سعی می‌کند آن مزیت نسبی خودش را حفظ کند که عملاً به نوعی سخنگویی دولت را برعهده دارد و سعی در برقراری رابطه دولت با حاکمیت و مردم دارد اما از غلظت به آن فضایی که روزنامه‌های موج اصلاحات منادیش هستند هم خودداری می‌کند و هوشمندانه خودش را حفظ می‌کند و عملاً تبدیل می‌شود به یک روزنامه میزبان؛ یعنی روزنامه‌ای که ترازوی برای سایر رسانه‌های جریان اصلاحات، منتقد دولت و خصوصی می‌شود که خودشان را با این معیار مورد سنجش قرار می‌دهند.

این روند ادامه دارد و همچنان پیش‌تاز است و فکر می‌کنم بعد از برخوردی که با روزنامه‌های موج اصلاحات تحت عنوان توقیف فله‌ای مطرح شد؛ «ایران» این بار تبدیل به روزنامه شاخص شد یعنی به نوعی بازگشت به دوران سازندگی بود.

در عین حال چون رقبای جدید هم عملاً از صحنه خارج شدند به نوعی بلندگوی جریان اصلاحات در دوره دوم هم می‌شد. می‌توان گفت با پایان یافتن دولت اصلاحات در روزنامه ایران شاهد موج جدیدی بودیم که بشدت به عنصر رسانه توجه داشت و جنس آن را کاملاً می‌شناختند یعنی درک خاصی از رسانه داشته و یک رسالت خاصی هم برایش تعریف می‌کنند.

در این زمان و مقطع، ایران، روزنامه مرکزی آنان می‌شود که سیاست‌های اصلی خودشان را در آنجا دنبال کنند حتی از حلقه‌های اصلی دولتمردان به روزنامه می‌آیند اما فقط به این امر نیز بسنده نکردند و مشغول تأسیس رسانه‌های دیگر برای ترویج جریان فکری خودشان هستند و می‌شود گفت که از همین جا روزنامه ایران به سمت یک فروپاشی می‌رود؛ هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ نیروهای جدیدی که وارد روزنامه می‌شوند. عموماً یک نگاه ایدئولوژیک داشتند و حرفه‌ای نبودند و حتی نگاه به نوعی حمایتی بود به گونه‌ای که نیروهایی که جاهای دیگری کار کرده بودند به روزنامه ایران آمدند و عملاً بخش عمده سرمایه‌های روزنامه ایران در آن هشت سال متأسفانه به تاراج رفت و به غیر از نام و لوگوی زیبایش چیزی نماند.

عملاً در پایان دوره دهم ریاست جمهوری دیگر چیزی از روزنامه ایران نمی‌بینیم و دچار رفتن به سمت یک سقوط جدی به لحاظ شمارگان، کیفیت و ساختار اقتصادی می‌شود.

با روی کار آمدن دولت یازدهم وارد دوره جدید دیگری شدیم، اما به نظرم یک سردرگمی در ساختار رسانه‌ای دور اول دولت روحانی را شاهد بودیم که با هم هماهنگ نیستند. یک 6 وجهی در تیم رسانه‌ای دولت یازدهم مشاهده می‌شد که اضلاعش اصلاً با همدیگر متناسب نبود و تیم مرکزی، بخشی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بخشی در جایگاه سخنگوی دولت و غیره بود؛ به گونه‌ای که برداشت حرفه‌ای از جایگاه رسانه وجود نداشت و به نوعی روزنامه را در قالب بنگاهی می‌دید که وظیفه‌اش انعکاس نیمه پر لیوانی بود که در اختیار دولت است و حق ندارد سراغ نیمه خالی و نقد برود.

تعریفشان هم این است که نقد را که دیگران می‌کنند و آنچه مربوط به حسن ما است حتی اگر هم نباشد روزنامه ایران باید بیان کند یا بسازد؛ انتظاری که مخل کار روزنامه نگاری است. اینکه روزنامه به سفارش چاپ شود آن هم در دوره‌ای که با یک رقیب بزرگ عام به نام رسانه‌های مجازی مواجه هستید تلقی درستی از کارکرد رسانه نیست. در شرایط کنونی حال روزنامه‌ها عمدتاً خوب نیست چرا که رسانه‌های الکترونیکی و دیجیتالی و مجازی آمده‌اند و نسل جوان را بسوی خود جذب می‌کنند؛ از سوی دیگر در کشور ما به سبب انجمادی هم که شکل گرفته بود عملاً روزنامه خوان‌های سنتی هم که قبلاً عادت به خرید روزنامه از دکه‌های مطبوعاتی داشتند؛ دیگران عادت از سرشان افتاد و نسل جدیدی که باید روزنامه خوانی را از بزرگترهایشان یاد می‌گرفتند؛ نیاموختند و به سمت کسب اطلاع از حوزه دیجیتال رفتند و دیگر در این فضای جدید روزنامه امکان بازگشت به فضای قبلی وجود ندارد؛ در این شرایط دیگر به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست که روزنامه‌های سفارشی چاپ شوند.

روزنامه‌ای که مثلاً شمارگانش در مقاطعی از دوره اصلاحات به 400 هزار و حتی تا نیم میلیون هم در برخی از مواقع می‌رسید؛ مجبور شد به یک‌سوم یا یک‌چهارم یا یک پنجم از امکان انتشارش برسد این هم تازه با کمک‌های دولتی و قیمت پایین به گونه‌ای که ایران با این حجم صفحات روزنامه‌اش را 500 تومان می‌فروشد اما بخش خصوصی نصف این روزنامه را با نرخ یک هزار تومان به بیرون عرضه می‌کند. این انتظارات کشنده‌ای هم که اصحاب دولت از روزنامه ایران دارند به نظرم لطمه و ضربه اصلی را به روزنامه وارد کرده است.

آقای دکتر وردی‌نژاد شما هم در ابتدای بحث در مورد روند سینوسی روزنامه اشاره‌ای داشتید؛ لطفاً بیشتر توضیح دهید؟ معتقدم که روزنامه ایران اگر بتواند در طول دوران‌های مختلف سه ویژگی را حفظ کند؛ سربلند در رسانه‌ها خواهد بود و درخشش خواهد داشت.

نخستین امر عنصر حرفه‌ای‌گرایی است، یعنی بر این باور باشد که با سفارش و دستور و تبلیغ فکرنمی‌تواند در عرصه رسانه‌ای مزیت رقابتی داشته باشد. مزیت رقابتی روزنامه ایران حرفه‌ای‌گرایی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی است یعنی با حرکت حرفه‌ای، دولت را وادار به مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی کند.

اگر یادتان باشد در مرحله اول فعالیت، در روزنامه ایران ستون‌هایی وجود داشت که مثلاً یکی از آنها عنوان «سررسید» بود که وعده‌هایی که دولت و وزیرانش می‌دادند را به سراغشان می‌رفت و بازخواست می‌کرد.

برخی وزیران هم در همان زمان گله‌گذاری می‌کردند اما زنده یاد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همواره حمایت می‌کردند و خطاب به کابینه دولت می‌گفت که روزنامه ایران بولتن تبلیغاتی شما که نیست؛ بلکه باید گفتمان دولت را حمایت کند نه اینکه عملکرد مثبت و منفی دولت را توجیه کند.

معتقدم روزنامه باید حقوق انسانی مردم را دنبال کند و آن حق دانستن و اطلاع داشتن است و کار روزنامه، حق تبلیغ شدن و حق هدایت کردن نیست. روزنامه باید اطلاع رسان شود و اگر اینگونه می‌خواهد باشد باید واقعیت‌ها را بیان کند.

به یاد دارم در همان مقطع زمانی، یک ستون دیگری در روزنامه ایران با عنوان «دیگه چه خبر» داشتیم که در اصل به لایه‌های دوم و سوم اخباری می‌رفت که در آن زمان برخی می‌گفتند طبقه‌بندی دارد و با این کار سعی کرد به آرامی میزان دسترسی مردم به اخبار طبقه‌بندی شده را گسترش دهد. همچنین این روزنامه یک صفحه‌ای به نام آئینه داشت که در بین مردم و شهروندان عادی جامعه، میزگردهای خیابانی می‌گذاشت و در این میزگردها انتقادهایی که از دولت، وضعیت اجتماعی و سیاسی و غیره می‌شد را مطرح می‌کرد. روزنامه باید اینها را به‌عنوان جریان حرفه‌ای با گرایش به مسائل جدید و نوآوری‌ها و خلاقیت‌های جدید دنبال کند تا بتواند آن مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی را دنبال کند.

به معنای دیگر روزنامه ایران باید سعی کند روز به روز ملت را مشارکت جوتر و دولت را مشارکت پذیرتر کند. یکی از مؤلفه‌های اصلی حق انسانی که در اصل حق مطلع بودن و اطلاع داشتن است؛ رسانه است و روزنامه ایران قادر است با کار حرفه‌ای این کار را انجام دهد.

روزنامه ایران روزی گفتمانش سازندگی بوده و کمک به آن کرده و یک دورانی به توسعه سیاسی و اصلاحات یاری‌رسانی کرده و

زمانی به عدالت کمک کرده و امروز هم به گسترش گفتمان اعتدال کمک می‌کند. اتفاقاً این به معنای این است که رکود در روزنامه ایران وجود ندارد بلکه عنصر تغییر وابسته به رأی مردم است. گاهی این امر ضعف تلقی می‌شود که روزنامه ایران ثبات سیاستگذاری ندارد.

وردی نژاد: ثبات یعنی رکود، ماندن، گندیده شدن و در واقع اصلاً مفهوم ندارد. تغییر، چرخش و تحول به نسبت نیازهای روز در هر جامعه‌ای ضروری است.

به نظرم بزرگترین تهدید روزنامه ایران این است که به سمت روزنامه زرد و بی‌هویت برود؛ این اشکال روزنامه می‌تواند باشد اما اگر مخالف و منتقد دولت در این رسانه مطالبش را بیان کند ناچار است فاخر بنویسد و این اتفاقاً به نفع دولت است. می‌فرمایید دولت از رأی مردم تشکیل می‌شود و این یک مزیتی برای روزنامه ایران است ولی با این همه وقتی یک رسانه خط مشی ثابتی ندارد یعنی هر هشت سال سیاستش کاملاً برعکس می‌شود؛ این تناقض را چگونه می‌توان توضیح داد؟ حق شناس: اولاً که بنده فرضیه شما را قبول ندارم؛ روزنامه ایران را به نوعی رسانه‌ای می‌دانم که افرادی که در آن قلم می‌زنند؛ عنصر اصلی‌شان، وفاداری به مردم است. ایران روزنامه‌ای است که از پول بیت المال اداره می‌شود و ثروت و دارایی این روزنامه مربوط به مردم است و امروز رأی همین مردم به مجموعه‌ای داده شده که بر سرکار هستند. این مجموعه با یک سیاست و تفکر خاص وارد انتخابات شده و رأی مردم را کسب کرده است و این خط ثابت روزنامه از بدو تولد تاکنون می‌شود. مشکلی که وجود دارد به نظرم برداشت نامناسبی است که دولتمردان از جایگاه رسانه دارند؛ این گیر ماجرا است؛ آنان رسانه را نمی‌شناسند.

یک روزی بنده از همکاران روزنامه گله‌مند شدم چرا که یکی از دولتمردان به شهر قم سفر کرده بود و در آنجا با هشت نفر از مراجع عظام دیدار داشت؛ فردای آن روز صفحه اول روزنامه هشت عکس کوچک مربع مراجع در طرفین تصویر بزرگ این دولتمرد قرار داده بود. وقتی آن روز، روزنامه را دیدم؛ می‌خواستم سرم را به دیوار بکوبم مگر روزنامه ایران باید صفحه اولش را به این حالت در بیاورد؟ اینکه نمی‌شود.

یعنی گیر اینجاست که اولاً آن دولتمرد نمی‌داند روزنامه چیست و انتظارش را تحمیل می‌کند و متأسفانه دوستانم در این روزنامه نیز تسلیم آن نگاه نادرست می‌شوند. گیر اینجاست و گر نه در همین ماجرا مسئول روزنامه باید محکم می‌ایستاد و می‌گفت که در روزنامه ایران، نگاه مخاطب اهمیت و اولویت دار است و مخاطب بر ایمان تعیین می‌کند که تیترو عکس یک روزنامه چه باشد؛ ممکن است همان روز رئیس جمهوری دیداری به طور مثال با سفیر کشور بورکینافاسو نیز داشته باشد؛ مگر باید عکس رئیس جمهوری خبر اول باشد؟ همان موقع هم اتفاقی در برمه روی داده است؛ حالا خبر اولمان باید کشتار میانمار باشد یا دیدار دکتر روحانی با این سفیر؟ اگر نگاه حرفه‌ای در روزنامه باشد؛ اقتصاد آن رسانه نیز می‌چرخد و دیگر وابسته نخواهد بود و مدیرعامل روزنامه هر هفته نمی‌رود در دفتر وزیر و سازمان مدیریت تا برای پرداخت حقوق پرسنلش از آنان تقاضا کند. بنده پیشنهاد می‌دهم به دولت این است که نخستین کارتان این باشد که روزنامه را به لحاظ اقتصادی به گونه‌ای کنید که رقابت پذیر باشد؛ بر همین اساس نخستین کار این است که قیمت روزنامه یک هزار تومان شود.

دولت باید حفظ گفتمان کلانش را از روزنامه ایران مطالبه کند اما ممکن است گاهی وزیری، استانداری یا دولتمردی برخلاف سیاست‌های کلان دولت عمل کند؛ اینجا باید این رسانه یقه فرد را بگیرد.

در نهایت معتقدم روزنامه ایران باید استقلالش را داشته باشد؛ خبرنگارش آزاد و آزاده بوده و نترسد و مدیر مسئول روزنامه نیز باید آمادگی این را داشته باشد که پشت سر خبرنگار، روزنامه نگار و دبیر سرویش محکم بایستد. در دولت هم این اختیار را بدهند که وقتی یک نفر در رأس روزنامه گذاشته می‌شود، دیگر به وی اعتماد کرده و فقط با او طرف باشند و با افراد دیگری طرف نشوند. آقای دکتر نعمتی با توجه به مسئولیت پیشین شما به عنوان مدیرکل روابط عمومی سازمان صدا و سیما، راه‌های برون رفت از محدودیت‌ها برای رسانه‌ای که در این موقعیت قرار دارد چیست؟

دکتر نعمتی: قبل از اشاره به این راهکار باید توضیحی بدهم. من سه دلیل را در صحبت‌های اولیه‌ام بیان کردم حالا می‌خواهم یک دلیل دیگر را هم اضافه کنم که در صحبت‌های شما هم بود و آن اینکه با تغییر هر دولت ساختار روزنامه به یکباره دچار تغییر می‌شود و این تغییر حتی به کادر اجرایی هم می‌رسد، از تغییر و جابه‌جایی خبرنگاران، سردبیر و...

فاضلی: آقای دکتر برای اینکه شما راحت‌تر بتوانید صحبت کنید من می‌خواهم به شکل مصداقی به این موضوع اشاره کنم. زمانی که دکتر وردی‌نژاد به عنوان مدیرعامل وقت خبرگزاری جمهوری اسلامی مرا به هندوستان فرستادند یک دولت سکولار که مدعی استقلال هند بود بر این کشور حاکم بود اما موقع بازگشتم از هند دولت 180 درجه فرق کرده بود و پس از سه دولت ائتلافی که تشکیل شده بود یک دولت ایدئولوژیک افراطی حاکم شده بود. اما روزی که رفتم خداحافظی کنم و به ایران برگردم رئیس خبرگزاری و مدیرمسئول همان بود و برای ما که یاد گرفتیم با یک تغییر در دولت همه افراد در رسانه‌ها عوض شوند جای تعجب بود، به همین خاطر هم این موضوع را به آنها گفتم اما جواب این بود که برای ما در اینجا منافع ملی تعریف شده است و در چارچوب آن حرکت

می‌کنیم. مسئول میز مربوطه در وزارت خارجه همان فردی بود که من روز اول ورودم دیده بودم. اما در ایران خبرگزاری و روزنامه دولت با تغییر دولت‌ها تغییر می‌کنند و منافع حزبی و جناحی در ظاهر بر منافع ملی مقدم است و این تأثیرگذار است. دکتر نعمتی: این نکته درستی است اما من می‌خواهم بگویم دلیل چهارمی که این نگاه در سطح جامعه نخبگی و حتی افراد عادی جامعه وجود دارد که روزنامه ایران را روزنامه وابسته به دولت می‌دانند این است که به محض اینکه دولت تغییر پیدا می‌کند خبرگزاری و روزنامه وابسته به خبرگزاری که زیرمجموعه دولت است دچار تغییرات عمده می‌شود و در همان هفته اول تغییر دولت قابل مشاهده است. من موافقم که تغییر گفتمانی باید اتفاق بیفتد و گفتمان دولت را باید روزنامه دولت در جامعه نشر دهد و به آن بپردازد این باید اهمیت داشته باشد اما نباید این موضوع را به بدنه حرفه‌ای و افرادی که در روزنامه کار می‌کنند کشاند البته این یک بیماری هست که در سازمان‌ها و نهادهای دیگر ما نیز وجود دارد که با هر تغییری از کوچکترین جزء تغییر به وجود می‌آید امیدواریم این فرهنگ در جامعه جا بیفتد تا آن نگاه حرفه‌ای که دکتر وردی‌نژاد اشاره کردند که فعالیت‌ها باید مورد توجه باشد محقق شود. دکتر حق‌شناس بخوبی جریان‌شناسی رسانه‌ای را بیان کردند. از دوره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که رویکردشان توسعه اقتصادی بود در دوره اصلاحات که رویکرد توسعه سیاسی بود و دولت احمدی‌نژاد که رویکردش به عدالت اجتماعی چرخید و دولت دکتر روحانی که به سمت اعتدال آمد، بعضی رسانه‌های ما نتوانستند با این تغییر گفتمان همگام شوند و خودشان را به سمت این تغییر گفتمان بکشانند و در گفتمان دوره قبل ماندند همین موضوع باعث شد که رسانه‌های ما بخصوص روزنامه‌ها افول کنند و شاهد کاهش شمارگان روزنامه‌ها باشیم. عامل دیگری که در این قضیه دخیل است اینکه برخی از مسئولان ما منطق رسانه‌ای و پازل رسانه‌ای را نمی‌شناسند و نمی‌دانند وقتی رسانه‌ای فعالیت خود را شروع می‌کند و می‌خواهد محتوای خود را منتشر کند باید تکه‌های این محتوا بدرستی کنار هم بنشینند تا یک قاب حرفه‌ای از آن رویداد به مخاطب ارائه دهد اما واقعاً این را نمی‌دانند و گاهی دخالت‌های بی‌جای مسئولان در حوزه رسانه‌ها تأثیر منفی روی کارکرد رسانه می‌گذارد.

فاضلی: این حرف به لحاظ نظری ایده‌آل است اما به لحاظ اجرایی گاهی می‌بینیم این پازل از هر طرف که برویم به بن‌بست می‌خورد. نخستین نکته این است که مسئولان یا کارکرد رسانه را نمی‌دانند یا می‌دانند و می‌خواهند در جهت منافع خود آن را بکشانند. من می‌خواهم بدانم به لحاظ اجرایی چگونه باید باشد؟ گاهی ما در روزنامه تیتیری می‌زنیم که شخص وزیر مربوطه به ما تلفن می‌زند و می‌گوید چرا چنین موضوعی را مطرح کرده‌اید و من این را در هیأت دولت مطرح می‌کنم. خب اینجا ما باید چه کار کنیم؟ وردی‌نژاد: اگر ما بگوییم روزنامه ایران روزنامه نظام است این اشتباه است. روزنامه ایران از اول هم روزنامه نظام نبود. خبرگزاری ایرنا، خبرگزاری نظام بود و روزنامه ایران روزنامه دولت. به همین خاطر می‌گویم تغییر و تحول، نقطه قوت روزنامه ایران است. گفتمان نظام که تغییر نکرده است. روزنامه ایران بخش انتخابی است و با دولت‌ها تغییر می‌کند. بنابراین روزنامه دولت است. به نظر من ساختاری که آقای فاضلی اشاره کردند در مورد کشور هند درست است اما در این جلسه ما نمی‌خواهیم تمام مشکلات نظام جمهوری اسلامی را حل کنیم این مشکل برای همه جا هست حتی در یک وزارتخانه هم وقتی وزیرش تغییر می‌کند تا آبدارچی هم عوض می‌شود و به اصطلاح می‌گویند اتوبوسی تغییر می‌کند. سیستمی که در هند شاهد بودید وابسته به یک نظام انگلیسی است یعنی وقتی احزاب جابه‌جا می‌شود وزیر و معاون او تغییر می‌کند اما فرد دیگری در سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها وجود دارد به نام دبیرکل که یک عنصر حرفه‌ای است و هر حکومت و حزب و گروهی هم که سرکار بیاید دبیرکل تغییر نمی‌کند. از روزی که می‌آید هست تا روزی که بازنشسته شود و او دایرةالمعارف آن نظام محسوب می‌شود. اما در ایران ما چنین ساختاری نداریم و هرکسی که می‌آید نخستین حرفش این است که من یک ویرانه و زمین سوخته تحویل گرفتم. در سطوح رؤسای قوا هم چنین حرفی را می‌شنویم. این یک مشکل کلی است من می‌گویم شما خودتان را به عنوان جزئی از حکمرانی راهبردی کشور در عرصه رسانه بگذارید یعنی رسانه را راهبری کنید. راهبری در عرصه رسانه همان سه عنصری است که عرض کردم. حرفه‌ای‌گرایی را در دولت توزیع کنید. شفافیت، مسئولیت‌پذیری و حرفه‌ای‌گرایی را تبلیغ کنید.

پای صادق بودن با مردم بایستید تا صدق مخبری روزنامه ایران حفظ شود. برای انجام این کار اول در مقابل دو نگاه گذشته‌گرایی و آینده‌نگری باید آینده‌نگری را انتخاب کنید. از تغییر و تحول و خلاقیت و آفرینش‌ها نترسید، بگذارید از شما انتقاد کنند. دوم تمایز در مقابل استاندارد بودن؛ یعنی باید شما چیزی متفاوت از سایر رسانه‌ها تحویل دهید. سوم تنوع است نه اینکه شما هم دچار انحصار شوید. باید راه‌های فرار را پیدا کنید. نکته بعدی جامعیت و همه‌سونگری در برابر یک‌سونگری است. سعی کنید همه کسانی که قله‌های فکری این جامعه هستند سهمی در روزنامه ایران داشته باشند. چرا؟ یک استدلال بیشتر ندارید بگویید رئیس جمهوری متعلق به کل ملت ایران است پس روزنامه ایران هم متعلق به کل ملت ایران است و کسی که اقلیت است و به دولت انتقاد دارد هم باید جایی در این روزنامه داشته باشد. اگر نداشته باشد روزنامه ملی نیست اما ارجحیت با جناحی است که رأی آورده است.

سعی کنید با سلیقه‌گرایی‌ها مقابله کنید یعنی هر چه را که احساس کردید استاندارد و مصوبه کل کشور نیست و یک سلیقه خاص می‌خواهد آن را به شما تحمیل کند حتی اگر از جانب وزیر باشد نباید بپذیرید. به استناد نگاه رئیس‌جمهوری و جریان حاکمیت دولت باید روی آن تکیه کنید. یکی از مهم‌ترین مسائل توسعه محوری است. توسعه در مقابل ثبات و ماندگاری و رکود است. توسعه یعنی

رونق، حرکت و جوشش و همه اینها را باید بر یک اصل استوار کنید یعنی در رابطه با مردم دردمندی و دغدغه خواست‌های مردم را داشته باشید و زبان مردم باشید و در رابطه با دولت به طور دائم خودگشودگی و خودشکوفایی کنید یعنی به طور دائم با وزیران و دولت گفت‌وگو داشته باشید. مدیرمسئول باید عملکرد را هفتگی یا ماهانه به وزارتخانه‌ها بفرستد یعنی بگوید من در رابطه با خطوط و اولویت‌های دولت این حرکت‌ها را انجام داده‌ام برای ضعف‌های این وزارتخانه هم بنابه خواست مردم این کارها را کرده‌ام نه اینکه به خاطر انتظار آنها فقط تعریف کند. اگر تعریف کنید کسی روزنامه‌تان را نمی‌خرد. این مجموعه می‌تواند یک جریان برای روزنامه ایجاد کند تا با موفقیت بیشتری جلو رود. کدام کاری است که بی‌اشکال باشد؟ اگر قرار باشد همه از شما تعریف کنند یعنی کارتان بی‌ارزش است کاری ارزشمند است که اکثریت حمایتش کنند عده‌ای هم مخالفتش باشند این یک عرصه سخت است مانند رقابت اقتصادی.

شما هم همین وضعیت را دارید بقیه رسانه‌ها هستند، صدا و سیما، ماهواره و شبکه‌های مجازی وجود دارند اما همچنان روزنامه هم هست همچنان مردم روزنامه می‌خرند حالا یک روز بیشتر یک روز کمتر اما یقین داشته باشید اگر درد مردم در روزنامه مطرح شود اگر اولویت‌ها و مطالبات مردم در آن درج شود و اطلاعات صحیح دولت در آن بیان شود این روزنامه همچنان به‌عنوان یک روزنامه ملی و سراسری خواهد ماند.

به‌عنوان بنیانگذار روزنامه ایران چه توصیه مشخصی به دولتمردان دارید در قبال روزنامه ایران؟
وردی نژاد: من معتقدم که دولتمردان باید این نگاه را داشته باشند که روزنامه ایران یک محیط تعامل با ملت و منتقدان باشد. محیطی که همه امکان یک گفت‌وگوی چند جانبه تعاملی را خواهند داشت. همه از شخص رئیس‌جمهوری گرفته تا بقیه باید این را به‌عنوان کارکرد روزنامه بپذیرند. در چنین حالتی روزنامه ایران توانسته به مسئولیت‌های خودش در عرصه رسانه‌ای عمل کند وگرنه بقیه رسانه‌ها با نگاه‌های مختلف در این عرصه حضور دارند. کارکرد روزنامه باید متفاوت باشد از کلیت دولت و در عین حال جریان فکری را که خواست و انتخاب و ترجیح ملت است حمایت کند. چرا که حق مردم است، مردم حق انتخاب دارند روزنامه‌شان هم باید همان وضعیت را داشته باشد. نمی‌توانیم و حق نداریم بگوییم چرا روزنامه ایران در دوره آقای احمدی‌نژاد از تفکر ایشان حمایت می‌کرده است چون ایشان با هر شرایطی به شکل قانونی و بر اساس سازوکارهای موجود در کشور رئیس‌جمهوری شد و روزنامه دولت هم باید آن تفکر را دنبال می‌کرد امروز هم باید تفکر اعتدال را دنبال کند و فردا هم اگر جریان دیگری آمد نمی‌تواند از آن پیروی نکند و اتفاقاً همین نقطه قوت روزنامه است.

دکتر نعمتی: من همچنان تأکید می‌کنم که هستند مسئولانی که با منطق و پازل رسانه‌ای آشنایی و شناخت ندارند به همین خاطر در جاهایی از رسانه‌ها توقعاتی دارند که تصور می‌کنند رسانه باید هر چه آنها می‌گویند انجام دهد مهمتر از همه اینکه رسانه‌ها یک رکن از جامعه هستند که دارای قدرت اثرگذار و تعیین‌کننده‌اند که حتی می‌توانند دولت‌ها را تغییر دهند به همین خاطر در همه دنیا دولتمردان و سیاستمداران تلاش می‌کنند رسانه‌ها را در چنبره و مدیریت خودشان بگیرند. در جامعه ما رسانه‌ها باید قدرت خودشان را نشان دهند. وقتی وزیر زنگ می‌زند که این مطلب باید به این شکل که من می‌گویم چاپ شود باید به او نشان دهید که اینگونه نیست و بگویید من خط مشی روزنامه را مشخص می‌کنم و این خیلی اهمیت دارد که قدرت رسانه را به جامعه و مسئولان نشان دهیم.

این رویکرد چگونه از بولتنی شدن می‌تواند فاصله بگیرد؟

وردی‌نژاد: باید از زاویه‌ای به این موارد بپردازید که واقعیت دارد؛ رسانه‌های مخالف از زاویه‌ای می‌پردازند که دولت را تضعیف کند اما شما باید به گونه‌ای بپردازید که هم ضعف‌ها مطرح شود هم اقدام‌ها. امروزه عنصر زمان در اطلاع‌رسانی تعیین‌کننده است یعنی روز و ماه و سال و هفته نیست؛ لحظه است. روزنامه امکان خبررسانی لحظه‌ای ندارد. باید وارد لایه‌های دوم و سوم تحولات شوید قادر به تحلیل و تفسیر و بررسی زوایای مختلف باشید. دیدن نقاط قوت و ضعف و ارائه یک نگاه جامع از موضوعات نه فقط یک نگاه انتقادی صرف یا نگاه دفاعی حرف. مهم‌ترین کاری که شما باید انجام دهید همین است توجه به عنصر گزارش، تحلیل، پژوهش و همه جانبه دیدن یعنی اگر در حادثه اتوبوس واژگون شده می‌گویند راننده خواب‌آلود بوده شما باید بروید دنبال این موضوع که چرا راننده خواب‌آلود بوده آیا راننده دلش می‌خواست 30 نفر را بکشد؟ آیا دلش می‌خواست با اتوبوس برود ته دره؟ مشکل

کجاست؟ روزنامه باید کارکردش این باشد. نکته دیگر اینکه اجازه بدهید منتقدان هم از طریق روزنامه شما حرف بزنند اما اگر از طریق روزنامه ما حرف بزنند ادیبانشان تخریبی نخواهد بود بلکه اخلاقمند و سازنده حرف می‌زنند و موضوع و سوژه به چرخش در می‌آید. رقابت را برای دولت جا بیندازید و دولت بپذیرد که بقیه دست روی دست نمی‌گذارند و کنار نمی‌نشینند که دولت هرکاری کند بگویند چقدر خوب کاری بوده است. دولت سایه و دولت منتقد که در کنار دولت حاکم قرار دارد یک نعمت و فرصت است و روزنامه باید این فرصت را به منتقدان بدهد اگر انتقاد نشود اصلاحی وجود نخواهد داشت. اگر اصلاح نشود تخریب خواهد شد.

دکتر نعمتی: روزنامه ایران اگر خودش را به نوعی روزنامه دولت محسوب می‌کند باید جریان‌سازی قوی نسبت به گفتمان دولت ایجاد کند البته نباید فقط اثباتی باشد بلکه تحلیلی و انتقادی باشد. از نگرش منتقدان هم استفاده کند و جریان‌سازی گسترده رسانه‌ای

انجام دهد و رسانه‌های دیگر را هم وارد کند و فضای رسانه‌ای را نسبت به آن گفتمان در اختیار خود بگیرد. این نکته را حتماً بنویسید که عملکرد دولت یازدهم نسبت به رسانه‌ها عملکرد ضعیفی بوده است. ارتباط خوبی با رسانه‌ها نداشتند. دولت نتوانست گفتمان خودش را از طریق رسانه‌ها جریان‌سازی کند.